

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شباهنک راد

۲۲.۰۷.۱۰

جنگ و اوضاع افغانستان

جنگ این هیولای کُشتار انسان‌ها هم‌چون بختکی خانمان برانداز بر شانه‌های کارگران و زحمت‌کشان افغانستان سنگینی می‌کند و روزانه جان انسان‌های بی‌دفاع و بی‌گناه را می‌گیرد و زیر ساخت‌های جامعه را نابود می‌کند. سرمایه‌داران جهانی با لشکرکشی وحشیانه می‌خواستند و می‌خواهند پرچم "رهائی" و "آزادی" را در این سرزمین بر افرازند و جامعه انسانی را در گوشه‌ای از جهان و آن‌هم با خون و خون‌ریزی کودکان، زنان و توده‌های محروم بر قرار نمایند.

به راستی که این سؤال در مقابل هر انسان آزاده و کمونیست قرار می‌گیرد که چگونه می‌توان سینه توده‌های بی‌دفاع را نشانه گرفت و خانه و کاشانه محروم‌ترین اقشار جامعه را گلوله باران، توپ باران و بر سرشان خراب نمود و سخن از پای‌بندی به آرمان‌های مردمی به میان آورد؟ کدام جامعه‌ای را می‌توان شاهد گرفت که سرمایه، حقوق پایه‌ای مردم را محترم شمرده و زمینه رشد و شکوفایی جامعه را فراهم نموده است؟

جانان بشریت دنیا را به کام ملیاردها انسان رنج‌دیده تلخ می‌کنند و شالوده‌های هر جامعه‌ای را با خاک یکسان می‌کنند تا حیات‌شان، ابدی بماند. می‌خواهند با تازمترین و مدرن‌ترین سلاح‌ها و با اختصاص دادن بودجه‌های کلان نظامی و با تسلیح اجباری، سیاست‌های سرکوب‌گرانه و منفعت طلبانه خود را در هر گوشه‌ای از دنیای سراسر ظلم، به پیش ببرند و به تبع از آن جنبش‌های به حق اعتراضی را منکوب و خفه نمایند. می‌خواهند به تئمه‌های توده‌های ستم‌دیده هر چه بیشتر دست درازی نمایند تا بر انبان سرمایه‌های‌شان بیفزایند. این به سیاست روزانه‌شان تبدیل شده است و به هر دری می‌زنند تا بر مناسبات و روابط ظالمانه‌شان لطمه‌ای وارد نگردد. به همین دلیل یگانه راه بردوامی‌شان را در تعرض به محرومان بی‌دفاع انتخاب نموده‌اند و زمین‌ها را با کُشت و کُشتار انسان‌های ستم‌دیده شخم می‌زنند. به حق که جنایت و درنده‌خوئی را به بالاترین حد ممکن خود رسانده‌اند و به منظور تأمین منافع خود، به هیچ احد الناسی هم رحم نمی‌کنند. پیر، جوان، کودک و زن و مرد، در قاموس آنان بی‌معناست و انسان و انسانیت را دارند در پای‌بندی کامل به حقوق عده‌ای مفت‌خوار و انگل صفت تعریف می‌نمایند. حمام خون به راه می‌اندازند تا مبادا کاخ‌های‌شان فرو ریزد و به درک واصل شوند. این دنیای آنان است و به راستی که آنانرا با

دنیای انسانیت، کاری نیست. بی دلیل هم نیست که بر نیروی انسانی و بر هزینه‌های نجومی نظامی خود می‌افزایند تا جامعه "آرام" و دلخواه خود را به توده‌های سرتاسر جهان و از جمله به کارگران و زحمت‌کشان افغانستان تحمیل نمایند.

می‌گویند هزینه جنگ در افغانستان "هر سال پنج برابر تولید ناخالص داخلی این کشور است" و همچنین "در هر دقیقه ۵۷ هزار و ۷۷ دلار" صرف جنگ یعنی این بالای خانمان‌سور می‌شود. باز هم خودشان می‌گویند که "در سال ۲۰۱۰ هزینه جنگ افغانستان بالغ بر ۳۲۵ میلیارد دلار خواهد بود، یعنی برابر با هزینه سالیانه نظامی بریتانیای بزرگ، چین، فرانسه، ژاپن، آلمان، روسیه و عربستان سعودی".

به راستی که عجب دنیای ظالمانه‌ای را بر فضای افغانستان، استثمارگران و سرمایه‌داران جهانی حاکم نموده‌اند. پنج برابر تولید ناخالص داخلی و برابری با هزینه سالانه نظامی، دولت‌های بزرگی همچون چین، فرانسه، آلمان و غیره حکایت از آن دارد که چه بلایی را بر سر مردم افغانستان می‌آورند؛ حکایت از آن دارد آنچه را که سرمایه‌داران و اشغال‌گران به دنبال آنند نه محترم شمردن و باز گرداندن حقوق اولیه میلیون‌ها انسان که سال‌های مدیدی در زیر سلطه‌ی رژیم‌های ضد خلقی جان‌شان به لب‌شان رسیده بل تثبیت موقعیت هر چه بیشتر سرمایه در سرزمین افغانستان می‌باشد. اگر چه آمار فوق را نباید و نمی‌بایست به حساب تمامی حقایق و جنایت‌کاری‌های قدرت‌مداران جهانی در افغانستان گذاشت. اما به نوبه خود حکایت از اوضاعی دارد که سرمایه‌داران جهانی در بخشی از منطقه خاورمیانه در پی آنند. توده در بند نان و آب خویش گرفتار است و قادر به تأمین نیازهای اولیه زندگی نیست، سرمایه به منظور به یغما بردن هر چه بیشتر منابع طبیعی، مرتکب جنایت می‌شود و روزانه هزاران دلار هزینه می‌کند.

خون و خون‌ریزی در این سرزمین قطع شدنی نیست و دارد مشام توده‌های محروم را می‌آزاراند. مردم ستم‌دیده افغانستان این‌روزها از هر سو در معرض تعرض دولت‌مردان رنگارنگ سرمایه، اشغال‌گران و نیروهای وابسته بدانان قرار گرفته‌اند و به راستی که از فردای خود بی‌خبرند. این دنیای توده محروم نیست. این دنیا فاقد امنیت است و فقط و فقط سرمایه‌داران جهانی و دار و دسته‌های رنگارنگ‌شان دینفع‌اند. بی دلیل نیست که شعله‌های جنگ را بر افروخته نگه می‌دارند و بر قشون نظامی خود می‌افزایند و ملیاردها دلار هزینه می‌کنند تا منفعت به ناحق‌شان پا بر جا بماند. مگر می‌توان در چنین دنیای سراسر آشوب و جنگ و در بدری، سخنی از رشد و شکوفایی و بالندگی کودکان بر زبان آورد؟ کودکانی که از سر نداری والدین‌شان به نیروی کار ارزان تبدیل شده‌اند و توسط باندهای قاچاق انسان مورد سوءاستفاده‌های گوناگون قرار می‌گیرند. کودکانی که از فراگیری علم و دانش محروم می‌باشند و در هر کوچه و پس کوچه‌ای نظاره‌گر درگیری‌های نظامی، پست‌های بازرسی و تفتیش بدنی‌اند.

همه به درجاتی و به میزانی گسترده در این جامعه جنگ زده، در زیر فشارند. حقوق ناچیز کارگر را دارند بالا می‌کشند و کسی پاسخ‌گوی بی‌عدالتی‌های موجود نیست؛ علناً دارند پایه‌ی‌ترین حقوق زنان را لگدمال می‌کنند و هیچ قانونی مدافع آنان نیست. صدها نفر روزانه به دلیل فقدان سیستم بهداشتی اولیه و آب مکفی و غیره جان‌شانرا از دست می‌دهند و کسی جوابگو نیست. چرا که منفعت سرمایه در تعرض به جان و مال کارگران و زحمت‌کشان و فرزندان‌شان تعریف گردیده است؛ چرا که نیاز و پایه‌های سرمایه در خلاف نیاز و پایه‌های جامعه بشری و ملیاردها انسان محروم پییده شده است.

بی تردید اوضاع وخیم افغانستان، تک نمونه از اوضاع دهشت‌بار دنیای کنونی‌ست. همه‌جا مردم تحت فشارند و همه‌جا بی امنی شغلی و بی امنیتی و نداری، بیداد می‌کند. همه‌جا سرمایه‌چنگ انداخته است و همه‌جا به یمن دم و دستگاه‌های سرکوب‌گر و با کُشت و کُشتار محرومان بر سیطره خود تداوم می‌بخشد. همه‌جا قشون پیاده می‌کند و بر هزینه‌های نظامی می‌افزاید تا از محرومان هزینه گیرد. زندگی را هر چه بیشتر بر انسان‌های محروم تلخ می‌نمایند تا بر خوش‌کامی‌های خود بیفزایند. بر دست‌جات مسلح و جیره‌خوار خود می‌افزایند تا جامعه به ناحق‌شان دست نخورده باقی بماند؛ امنیت هر روستا و محله را به گرده توده محروم می‌اندازند و آنانرا گوشت دم توپ قرار می‌دهند تا مبادا تاج و تخت‌شان زیر و رو شود. چنین سیاست‌هایی حاصل این جامعه و آن جامعه و این منطقه و آن منطقه نیست. به سیاست روتین سرمایه‌داران جهانی تبدیل گشته است.

واضح است تا زمانی‌که سرمایه و دار و دسته‌های مسلح رنگارنگش در همه‌جا و به ویژه در افغانستان حیات دارند نه تنها زندگی کارگران و زحمت‌کشان مسیر بهبودی را طی نخواهد کرد بل اسفناک‌تر و دهشت‌بارتر هم خواهد گردید. این جامعه به مانند همه جوامع سرمایه‌داری و نابرابر، نیازمند تغییر جدی و بنیادی‌ست. به دلیل این‌که حیات ارتجاع و سرمایه و آن‌هم با هر رنگ و لباسی مترادف با تحقیر و توهین توده‌ها، زنان و بی چشم‌انداز ملیون‌ها کودک و به راه اندازی جنگ و خون و خون‌ریزی‌ست. با این اوصاف تنها با گسترش جنگ انقلابی علیه جنگ ضد انقلابی و با به ریز کشیدن سلطه سرمایه‌داران جهانی و وابستگان‌شان و مهم‌تر از همه این‌ها با برقراری جامعه کمونیستی‌ست که بی امنیتی و نداری توده‌ها و جنگ‌های خانمان‌سوز و ناعادلانه در سرتاسر افغانستان رخت بر خواهد بست و آسایش و امنیت و بالندگی جایگزین آن‌ها خواهد گردید.

۲۱ جولای ۲۰۱۰

۳۰ تیر [سرطان] ۱۳۸۹